

اروپا و شیوه‌قائه بررسی شده است. مؤلف بر آن است که تبیین نظام فکری مترجمان آثار ادبی فارسی در پرداختن به موضوعات خاص در پژوهش‌های تحلیلی و تطبیقی مؤثر است.

این کتاب، به مقدمه دکتر غلامعلی حداد عادل، رئیس بنیاد سعدی، و نیز به یادداشت فرید قطاط، استاد ادبیات و زبان فارسی در دانشگاه‌های تونس، مزین است. مؤلف در دیباچه کتاب، با عنوان «نگاهی به پیوندگان زبان فارسی و عربی»، به پیشینه زبان فارسی در جهان عرب پرداخته و، به‌اجمال، از ساحت تطبیق زبان‌های فارسی و عربی سخن گفته است.

مجموعه حاضر با معنی بزرگان زبان و ادبیات فارسی در مصر آغاز شده است. مؤلف دلیل این امر را فراوانی اشخاص و آثار مصری‌ها در حوزه زبان و ادب فارسی ذکر کرده است. پس از آن، در فصول جدیگانه، به ادبیان و استادان زبان و ادبیات فارسی کشورهای عراق، لبنان، سوریه، اردن، و تونس پرداخته شده است.

مؤلف در هر بخش، ابتدا به روابط دیرینه فرهنگی و ادبی کشور موضوع بحث با ایران پرداخته و سپس شرح حال و آثار برترین استادان زبان فارسی

بزرگان زبان و ادبیات پارسی در جهان عرب (بخش اول)، زهرا عامری، انتشارات بین‌المللی هدی و بنیاد سعدی، تهران ۱۴۰۱، ۲۶۱ صفحه.

این کتاب حاوی شرح حال و آثار شماری از معروف‌ترین و پرکارترین استادان، محققان، و مترجمان زبان و ادب فارسی در کشورهای عربی است.

مؤلف اثر، خانم زهرا عامری، که خود به آموزش زبان فارسی در جهان عرب اهتمام دارد، در مقدمه، تأییف کتاب را مبتنی بر طرح گردآوری پراحتیت‌ترین آفرینش‌ها و بازآفرینی‌های ادبیان تحصیل کرده جهان عربی از ادبیات وزین فارسی می‌داند. کتاب تصویری از میزان حضور زبان فارسی در جهان عرب ترسیم می‌کند. به کمک این اثر، خواننده می‌تواند آن دسته از آثار ادبی فارسی مورد توجه عربی‌زبانان را شناسایی کند و بر اساس موضوعات و چهارچوب‌های مطرح شده در آثار مترجم، نیازهای فکری و ذهنی آنان را دریابد. همچنین، در این اثر پیوندگان ادبی میان استادان و پژوهشگران حوزه زبان فارسی در جهان عرب و ایران‌شناسان و مترجمان بزرگ غیرعرب در ایران،

**دیروزدانش: چهارده مقاله در تاریخ علم،  
غلامعلی حداد عادل، انتشارات هرمس، تهران  
۳۵۷، ۱۴۰۲ صفحه.**

این کتاب شامل مجموعه‌ای از چهارده مقاله در تاریخ علم به قلم غلامعلی حداد عادل است که در یک بازه زمانی پنجاه ساله به نگارش درآمده است. موضوع مقالات این مجموعه، مباحثی است شامل کلیات تاریخ علم، تاریخ علم به طور کلی، تاریخ علم یونانی از قبیل طب و نجوم، و نیز علم در دوره اسلامی و در ایران و همچنین نجوم کوپرنیکی. مؤلف، در مقدمه اثر، کتاب‌ها و مقاله‌های تاریخ علم را لحاظ سطح علمی به سه گونه تقسیم کرده است: گونه اول شامل آثار پژوهشی و تخصصی دقیق و فنی است که استادان و متخصصان رشته تاریخ علم تألیف کرده‌اند و در بردارنده نکته‌هایی تازه‌یاب در تاریخ علم است؛ گونه دوم مشتمل است بر آثاری که برای عموم باسادان جامعه نوشته شده، و مراد از آن‌ها افزایش معلومات عمومی آنان درباره سیر تحول علم در تاریخ یا تشویق نسل جوان به علم آموزی است؛ گونه سوم در برگیرنده معرفی کتاب‌ها و مقالات بیناین گونه اول و دوم است و، در واقع، چشم‌اندازی گسترده از تاریخ علم را برای همه تحصیل‌کردنگان، بهویژه دانشجویان حوزه تاریخ علم، ترسیم می‌کند. مقالات کتاب دیروزدانش، به تصریح مؤلف، به گونه سوم تعلق دارد. البته، سطح علمی مقالات مجموعه یکسان نیست و بعضی از آن‌ها به مقالات گونه اول و بعضی دیگر به گونه دوم نزدیک شده است.

مقالات این مجموعه، به ترتیب، عبارت‌اند از:

و ترجمه‌های آنان از گنجینه ادب فارسی و زمینه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی آنان درباره ادبیات ایران را به تفصیل آورده است.

اسامی شخصیت‌هایی که شرح حال و آثار آنان در فصول کتاب آمده به این ترتیب است:

مصر: عبد‌الوهاب محمد عزام، یحیی خشاب، ابراهیم امین الشواربی، احمد رامی، ابراهیم الدسوقي شتا، عبدالنعیم محمد حسنین، حسین مجیب مصری، محمد غنیمی هلال، احمد زکی ابوشادی، طه ندا.

عراق: جمیل صدقی زهاوی، حسین علی محفوظ، عبدالعزیز جواہری، سید محمد صادق نشأت، احمد صافی نجفی، غسان حمدان.

لبنان: ویکتور الکک، وبدیع بستانی، عیسیٰ اسکندر مألهف، دلال عباس، طوني الحاج. سوریه: محمد الفراتی، محمد التونجی، عیسیٰ علی العاکوب، ندى حسون.

اردن: یوسف حسین بکار، عبدالکریم جرادات، عارف احمد الزغلول.

تونس: ابن خلدون، عثمان الكعاک، احمد الطویلی، فرید قطاط.

چنان‌که مؤلف در مقدمه کتاب اشاره کرده است، پرداختن به شرح حال و آثار شمار دیگری از استادان عرب و ایرانی، که دست کم در یکصد سال گذشته در کشورهای عربی در برقراری ارتباط میان زبان فارسی و زبان عربی نقش داشته‌اند، ضرورت تألیف بخش دوم کتاب را ایجاد می‌کند.

**محمد رضا علی‌بخشی**

رساله پیروزی و مقاله نوروزی، نوشتۀ محمود بن عمر نجاتی نیشابوری، تحقیق و تصحیح بهروز ایمانی، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران ۱۴۰۰، ۲۷۵ صفحه.

در تاریخ بلاغت فارسی کتاب‌های فراوانی نگارش یافته که نویسنده‌گان آن‌ها در صدد بوده‌اند تا، با تدوین قواعد زیبایی شناختی، شعر را ارزیابی کنند. بلاغیون با تأثیف کتب بلاغی سهم ممتازی در شکل‌گیری جریان‌های انتقادی در ادب فارسی داشته‌اند، چنان‌که بررسی سیر بلاغت‌نویسی گواه این مدعای است. در طول تاریخ ادب فارسی، کتاب‌های متعددی به فارسی و عربی در زمینه بلاغت نوشته شده که مخاطبان با اغلب آن‌ها کم‌وپیش آشنا هستند.

یکی از این منابع، که اخیراً از پرده گشمامی به در آمده و به زیور طبع آراسته شده، کتاب مهم و ارزشمند رساله پیروزی و مقاله نوروزی است که به قلم محمود بن عمر نجاتی، عالم و ادیب معروف قرن هشتم هجری، نوشته شده و با تحقیق و تصحیح بهروز ایمانی، به بازار نشر عرضه شده است. این رساله در واقع شرحی بر قصیده بدایع الأصحاب فی صنایع الأشعار قوامی مطرّزی گنجوی، شاعر قرن ششم، است. دیوان او، که ظاهراً در زمان تدقی کاشی (تذکرہ‌نویس قرن دهم، صاحب خلاصة الأشعار و زبدۃ الأفکار)، در دست بوده، اکنون در دسترس نیست و جز اشعار پراکنده‌ای از او در برخی تذکره‌ها و جنگ‌های ادبی، شعری از او در اختیار نداریم. بنابراین، باقی ماندن همین «قصیده بدیعیه» وی، که با عنوان بدایع الأصحاب فی صنایع الأشعار شناخته

معزّی اجمالی چهره‌های مؤثر در تاریخ علم در ایران معاصر؛ فایده تاریخ علم چیست؟؛ علم در ایران؛ آشنایی ایرانیان با علوم جدید؛ کتاب در فرهنگ ایران؛ دفاع از طب سنتی؛ رصدخانه مراغه؛ رُبُع رشیدی؛ انگیزه‌های دینی مسلمانان در آموختن علوم اوایل؛ نجوم در فلسفه ارسطو؛ بخشی کوتاه درباره مبانی فلسفی آرای کوپرنیک و کپلر در نجوم جدید؛ قطب الدین شیرازی؛ جایگاه ابوالقاسم قریانی در تاریخ‌نگاری علم در ایران؛ در شرق هم خبری هست.

دو مقاله مفصل «معزّی اجمالی چهره‌های مؤثر در تاریخ علم در ایران معاصر» و «انگیزه‌های دینی مسلمانان در آموختن علوم اوایل» برای درج در این کتاب تألیف شده‌اند و مقاله‌های «کتاب در فرهنگ ایران»، «علم در ایران»، و «رُبُع رشیدی» برای نخستین بار منتشر شده‌اند.

همچنین، حداد عادل در مقدمه کتاب، مروری بر تعلق خاطر خود به تاریخ علم دارد. خاطرات او، سال قدم نهادن به دیبرستان تا دوره تحصیل در دانشگاه تهران و دوره تدریس در دانشگاه صنعتی شریف و همچنین دوره‌های مسئولیت‌های اجرایی و مدیریتی وی پس از انقلاب اسلامی، به خصوص فعالیت متمادی در بنیاد دایرة المعارف اسلامی، تصویری از وضعیت تاریخ علم در ایران معاصر را دربردارد. پیشگامی در تأسیس رشتۀ تاریخ علم در دانشگاه تهران و ایفای نقش در گسترش آموزش دانشگاهی تاریخ علم از جمله تجربیات حداد عادل است که در کتاب به آن‌ها اشاره شده است.

محمد رضا علی بخشی

پرداخته است. او در این رساله به ایيات فراوانی از شاعران مختلف استناد کرده است. گفتنی است که حجم قابل توجهی از آن اشعار از آن خود نجاتی است. برخی شعرای دیگر، که ایاتشان مورد استناد نجاتی بوده، از این قرارند: ابوالمفاخر رازی، ادیب نظری، امیرمعزی، انوری، سعدی، سنایی، سیدحسن غزنوی، ظهیر فاریابی، عبدالواسع جبلی، عمادی شهریاری، عمق، عنصری، فرجی، قطران، کمالالدین اسماعیلی، لامعی، مجیر بیلقانی، منجیک ترمذی، منطقی، منوچهری، ناصرخسرو. بنا به گفته مصحح و محقق رساله، گرچه مؤلف در تعریف صنایع، نوشته‌ها و گفته‌های رشیدالدین وطواط در حدائق السحر را مبنای اثر خود قرار داده، اثر وی مزیت‌های بسیار دارد؛ از جمله، بهاجمال، به این‌ها می‌توان اشاره کرد؛ – این رساله بیشترین تعداد اشعار خود نجاتی را شامل است. این اشعار در منابع دیگر نیست و از این حیث درخور توجه و اهمیت است.

– سرایندگان جدیدی، چون شمس الدین اسفراینی (ص ۱۰۶) و فخرالدین محمود زرجانی نیشابوری (ص ۱۲۶) را معروفی کرده و ابیاتی از آنان نقل کرده که در سایر منابع ادبی و تاریخی نامی از آنان نیافته‌ایم.

– ایيات تازه‌ای از عنصری (ص ۱۴۰)، رضی الدین نیشابوری (ص ۱۰۹)، و امامی هروی (ص ۹۹) را آورده که در دیوان آن‌ها نیست.

– مناسبت سروdon غزلی از همام را از زبان خودش شنیده و روایت کرده است (ص ۹۱).

می‌شود، برای اهل ادب بسیار مغتنم است. این قصیده مشتمل است بر «بعضی از علوم بدیع» (ص ۸۷). طبق تحقیق مصحح (ص ۲۹)، قوامی نخستین بدیعیه سرا در تاریخ ادب فارسی است. چند شاعر دیگر نیز به پیروی از او به سروden قصیده بدیعیه پرداخته‌اند (برای نمونه، نک: شعبانلو، علیرضا، «تاریخچه قصاید مصنوع فارسی و دو قصیده ناشناخته از دو شاعر گمنام»، فنون ادبی، دوره ۸، ش ۱، بهار ۱۳۹۵، ص ۱۴۹-۱۷۲).

به دلیل اهمیتی که این قصیده داشته، چند شرح و تفسیر بر آن نوشته شده که قدیم‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها همین رساله پیروزی و مقاله نوروزی از نجاتی نیشابوری است.

بنابراین به تحقیق بهروز ایمانی، نجاتی احتمالاً بین سال‌های ۶۶۷ تا ۶۷۲ ق در نیشابور زاده شده و تا ۷۳۸ در قید حیات بوده است. او به شهرهای مختلف، از جمله شیراز و تبریز، سفر کرده و در تبریز با همام تبریزی دیدار کرده است (ص ۹۱). چند اثر دیگر خود را نیز در تبریز به رشتة تحریر درآورده و این موضوع نشان می‌دهد که نجاتی مدت قابل توجهی در تبریز اقامت داشته است.

نجاتی رساله پیروزی و مقاله نوروزی را برای غیاث الدین محمد، فرزند رشیدالدین فضل الله همدانی (مقتول در ۷۳۶ ق) و برادر او، شرف الدین احمد (متوفی ۷۴۳ ق)، به عنوان هدیه نوروزی اتحاف کرده است.

ساختار کتاب بدین‌گونه است که ابتدا نام صنایع بدیعی را آورده، سپس ایيات قصیده قوامی را ذکر کرده و در ادامه به تعریف و تبیین صنایع

نامه را یافته و صورت کامل آن را در مقدمه این رساله (ص ۶۷-۷۱) منتشر کرده است. همچنین، با مراجعه به صفحات مربوط به معرفی دستنویس‌های رساله پیروزی می‌توان با اطمینان گفت که ایمانی به همه نسخ معتبر رساله که در کتابخانه‌های مختلف، در ایالات متحده و روسیه و مصر، دسترسی داشته و، بنابراین، می‌توان از صحّت و اعتبار متن مصحّح اطمینان یافت. از دیگر بخش‌های مقدمه، معرفی دستنویس‌های آثار دیگر نجاتی است که نشان از جست‌وجوی دقیق و گسترده محقق کوشانیده است. این معرفی راهنمای خوبی است برای پژوهشگری که تمایل دارد سایر آثار نجاتی را تصحیح کند.

- متن رساله: صفحات ۸۵ تا ۱۹۲ را شامل می‌شود. مصحّح به‌دقت به تصحیح متن پرداخته و متنی پاکیزه در اختیار گذاشته است. قطعاً این متن در بررسی سیر بالاخت‌نویسی جایگاه بسیار مهمی خواهد داشت.

- تعلیقات: این قسمت، با عنوان «پیوست‌ها»، پس از متن رساله آمده و در آن به توضیحات متن، ترجمة ایيات و عبارات عربی و اشاره به منابع ایيات و عباراتی پرداخته که مؤلف در متن بدون ذکر نام گوینده آورده است.

- نمایه‌ها: متین‌گل است از نمایه‌آیات و احادیث و روایات و اقوال، اشعار عربی، اشعار نجاتی (که در رساله پیروزی آمده)، اشعار فارسی، نام‌ها و جای‌ها و کتاب‌ها.

در پایان باید گفت که این رساله از مهم‌ترین رساله‌های فارسی در زمینه بالاخت فارسی است.

مهندی رحیم‌پور

- از دیدار خودش با ناصر بجهه‌ای در شیراز و مباحثه‌ادبی با او اطلاع داده است (ص ۱۱۵).

- مهم‌تر اینکه حاوی نکات سبک‌شناسانه است؛ برای نمونه، در ص ۹۹ گفته است: «در شعر قدما این صنعت [یعنی سجع متوازن] بسیار بُود، خصوصاً در شعر مسعود بن سلمان». در ص ۱۹۰، در بحث «جزالت»، گفته است: «بیشتر اشعار خاقانی از این باب باشد». در همان صفحه ذیل «سلامت» گفته است: «... هر شعر که روان و مطبوع و عَذْب بُود، استادان آن را سَلِیْس خوانند، چون بیشتر اشعار سعدی و همام الدین...».

همچنین، در ص ۱۲۳، این عبارت جالب توجه است: «چندان لطایف موہمہ که در شعر این ضعیف موجود است در هیچ دیوان، از قدیم و جدید، موجود نیست، جز در دیوان کمال الدین اسماعیل و اثیر الدین اومانی و سراج الدین قمری».

کتاب از این بخش‌ها تشکیل شده است:

- مقدمه مصحّح: مشتمل است بر تحقیقی جامع که در آن از معرفی قوامی مطرزی تا احوال و آثار نجاتی نیشابوری بر اساس منابع مختلف فارسی و عربی بهصورت دقیق بررسی شده است. ایمانی در تحقیقات خود به منابع متعدد خطی نیز مراجعه کرده، حتی به منابعی که بعضًا دسترسی به آن‌ها کاری بسیار دشوار است. او، با گردآوری منابع موردنیاز، تحقیقی جامع بهویژه درباره نجاتی انجام داده و، بر این اساس، تا مدت‌ها می‌توان آن را بهترین و دقیق‌ترین تحقیق مربوط به نجاتی دانست.

از دیگر ویژگی‌های مقدمه، چاپ نامه‌ای از نجاتی به رشید الدین فضل الله همدانی است. ایمانی این

مقاله‌ای تأثیرگذار که ولک در آن به مخالفت با مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی براخاست. از منظر او، مکتب فرانسوی متکی بر اثبات‌گرایی قرن نوزدهمی اروپا و خطری جدی برای نقد ادبی بود. او در این مقاله به نقد روش‌شناسی این رشته می‌پردازد و معتقد است که باید در نقد ادبی، زیبایی‌شناسی و هنر در مرکز توجه قرار گیرد و نه صرفاً بررسی منابع و تأثیرات آن.

مقاله «امروز ادبیات تطبیقی» متن سخنرانی رنه ولک در دومین سه‌سالانه گرد همایی انجمن ادبیات تطبیقی آمریکا در کمبریج، مورخ نهم آوریل ۱۹۶۵ م، است. او، در این مقاله، به رفع برخی ابهامات و سوء تفاهم‌های پیش‌آمده برای برخی پژوهشگران در عرصه مطالعات ادبی و ادبیات تطبیقی پرداخته و روشن کرده که نقد او به روش‌شناسی پذیرفته شده در ادبیات تطبیقی، به تعیین مرز ساختنگی میان ادبیات‌ها، به مفهوم مکانیکی منابع و تأثیرات، و به انگیزه حاصل از ملی‌گرایی فرهنگی مربوط می‌شود و بر ضدّ واقعیت‌گرایی اثبات‌گرایانه و سنت غالباً در دانش‌پژوهی ادبی است.

رنه ولک در مقاله «نام و ماهیت ادبیات تطبیقی» به تاریخچه اصطلاح «ادبیات تطبیقی» و تکامل مفهوم آن، بهویژه در زبان‌های اروپایی، می‌پردازد. به باور او، ادبیات تطبیقی باید به دنبال چشم‌انداز، ماهیت و روش‌شناسی دیگری باشد. ادبیات را باید در چشم‌اندازی جهانی و عمومی مطالعه کرد و نه در چشم‌اندازی ملی یا در قالب آثار پرآکنده. او، همپای ادبیات عمومی و ادبیات ملی،

روایت رنه ولک از ادبیات تطبیقی، ترجمه سعید رفیعی خضری، نشر چشممه، تهران ۱۳۹۹، ۱۴۲ صفحه.

کتاب روایت رنه ولک از ادبیات تطبیقی مجموعه‌ای است از مقالات رنه ولک<sup>۱</sup>، نظریه‌پرداز و منتقد ادبی برجسته، با ترجمه سعید رفیعی خضری، عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی. رنه ولک را پایه‌گذار مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی می‌دانند، مکتبی که ادبیات را پدیده‌ای جهانی و کلیتی در عرصه تحلیل هنری به شمار می‌آورد. رنه ولک از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۷۲ م رئیس کارگروه ادبیات تطبیقی دانشگاه بیل بود. او همچنین از پایه‌گذاران مجله ادبیات تطبیقی و از کسانی بود که در انتشار کتاب نامه ادبیات تطبیقی، در سال ۱۹۵۰ م، سهم فراوانی داشت. ولک رئیس کارگروه ادبیات تطبیقی انجمن زبان‌های جدید هم بود و سخنرانی‌های بسیاری در دانشگاه‌ها و همایش‌های گوناگون ایراد کرد.

مترجم کتاب حاضر پنج مقاله از رنه ولک را برگزیده و ترجمه کرده است. عنوانین مقاله‌ها از این قرارند: «بحran ادبیات تطبیقی»، «امروز ادبیات تطبیقی»، «نام و ماهیت ادبیات تطبیقی»، «حمله به ادبیات»، «نابود کردن مطالعات ادبی».

رنه ولک در دومین همایش انجمن بین‌المللی ادبیات تطبیقی، سپتامبر ۱۹۵۸ م، در چپل هیل<sup>۲</sup>، مقاله «بحran ادبیات تطبیقی» را عرضه کرد،

1. René Wellek (1903-1995)

2. Chapel Hill

مقالات را بر پایه تاریخ انتشار آن‌ها، از قدیم به جدید، در نظر گرفته است.

#### محمد رضا علی‌بخشی

زن در شاهنامه، جلال خالقی مطلق، برگردان مریم رضایی، انتشارات دکتر محمود افشار، با همکاری سخن، تهران ۱۴۰۱ و ۳۰۶ صفحه. کتاب زن در شاهنامه، که رساله دکتری جلال خالقی مطلق به سال ۱۹۷۰ م/ ۱۳۴۹ در دانشگاه کلن آلمان است، در سال ۱۹۷۱ م/ ۱۳۵۰ در فرایورگ آلمان به چاپ رسید. این کتاب در سال ۲۰۱۲ م در کالیفرنیا به انگلیسی ترجمه و منتشر شد و در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۸ دوبار به قلم دو متوجه متفاوت از انگلیسی به فارسی ترجمه و در ایران چاپ شد. تفاوت مهم این ترجمه، افزون بر آنکه مستقیماً از زبان آلمانی است، این است که مؤلف آن را به دقت بازبینی کرده و ارجاعات آن را نیز از شاهنامه چاپ مسکو به شاهنامه تصحیح خود برگردانده است. کاستی‌های ترجمه‌های پیشین، از جمله ضبط نادرست اسماء و ذکر نشدن مشخصات اصل آلمانی کتاب، همچنین روان نبودن متن فارسی و توضیحات پاورقی در این ترجمه به چشم نمی‌خورد.

کتاب با یادداشت مؤلف آغاز می‌شود. در این یادداشت، نویسنده توضیحاتی کلی درباره میزان و چگونگی حضور زنان در شاهنامه ارائه می‌هد و به نقش‌های گوناگون زنان در شاهنامه، از جمله همسری و مادری و زنان سیاست‌پیشه و دایه و ندیمه اشاره می‌کند. نویسنده یادآور می‌شود دلیل اینکه کسانی شاهنامه را، با استناد به برخی بیت‌های

مطالعه ادبیات تطبیقی را نیز بسیار مهم می‌شمارد و بر این باور است که در ادبیات تطبیقی، بی‌تر دید، باید بر تعصّبات ملی و نگرش‌های بسته غلبه کرد، اما حیات و ارزش‌های سنت‌های گوناگون ملی را نباید نادیده یا دست‌کم گرفت.

مترجم همچنین دو مقاله «حمله به ادبیات» و «نابود کردن مطالعات ادبی» را ترجمه کرده است. گرچه این دو مقاله به طور مستقیم در چارچوب ادبیات تطبیقی قرار نمی‌گیرند، منعکس کننده دیدگاه‌های رنه ولک درباره ادبیات و مطالعات ادبی هستند، دیدگاه‌هایی که در حوزه ادبیات تطبیقی، بهویژه در ایالات متحده آمریکا، تأثیرگذار بوده‌اند. مقاله «حمله به ادبیات» در سال ۱۹۷۲ م منتشر شده است. ولک در این مقاله، به روش تطبیقی، نخستین اعتراضات خود را بر ضد گراش‌های تازه در حوزه نقد و نظریه ادبی بیان می‌کند و به دفاع از ادبیات در برابر حملات تازه می‌پردازد. او بر این باور است که، با نگاه به تاریخ طولانی اصطلاح «ادبیات» و درک تمایزات وازگانی، می‌توان این حملات گستردۀ به ادبیات را دفع کرد.

ولک مقاله «نابود کردن مطالعات ادبی» را در سال ۱۹۸۳ م منتشر کرد. او از انکار ماهیّت زیبایی‌شناسی ادبیات بیمناک است و به تبیین ماهیّت زیبایی‌شناسی ادبیات می‌پردازد، در اینجا هم، باز از روش تطبیقی به این مهم می‌پردازد. رفیعی خضری، مترجم اثر، بر این باور است که در روند شکل‌گیری نظریّات رنه ولک هر مقاله جایگاه خاص خود را دارد و، به همین دلیل، پنج مقاله را به صورت مستقل آورده است. او ترتیب

الحاقی، اثری «زن‌ستیز» می‌دانند، ناگاهی از محتوای شاهنامه و دیگر آثار ادب فارسی و غرض‌ورزی‌های برخاسته از بینش‌های سیاسی و غیرملی است.

مترجم در مقدمه خود، ضمن اشاره به تلقی‌های نادرست از بررسی نقش زنان در شاهنامه فردوسی و یادآور شدن ریشه این اظهار نظر نادرست، به سروده شدن و افروذگی ایاتی سخیف درباره زن از سوی کاتبان و خوانندگان در طول هزار سال، از سرایش شاهنامه تاکنون، نیز اشاره می‌کند و یادآور می‌شود که شماری از بیت‌های اصلی شاهنامه با محتوای به ظاهر زن‌ستیزانه از زبان شخصیت‌های داستان و متناسب با روایت است و نباید آن را به سرتاسر متن تعمیم داد. مترجم، ضمن برشمردن شماری از کاستی‌های ترجمه‌های پیشین، روش ترجمه خود را توضیح داده است.

در پیشگفتار کتاب، مؤلف، ضمن معرفی شاهنامه به عنوان منبعی درباره تاریخ و فرهنگ ایران، بررسی آن را بدون توجه به منابع کهن پیش از اسلام و آغاز دوره اسلامی نادرست دانسته و، در ادامه، به نقش زن در نظام اسطوره‌شناسی ایران و بازتاب آن در شاهنامه پرداخته است.

در بخش نخست کتاب، نگارنده به شرح کوتاهی از سرگذشت نامدارترین زنان شاهنامه پرداخته و آن را با دیگر منابع پیش و پس از اسلام سنجیده و در پایان هر شرح، خطوط ویژه شخصیت آن زن را ترسیم کرده است. برای این توصیف از زنان اسطوره‌ای، همه، و از زنان تاریخی، نامدارترین آنان برگزیده شده‌اند.

در بخش دوم، نویسنده به جایگاه و پایگاه زن در شاهنامه با توجه به منابع پیش و پس از اسلام پرداخته و نقش و اهمیت و سرنوشت زنان شاهنامه را در دوره‌های مختلف زندگی، کودکی، همسری، مادری، و نیز در آغوش خانواده و در میان اجتماع بررسی کرده و از دیگر منابع نیز بهره برده است. بیشتر منابع اساس این پژوهش منابع کهن ایرانی و عربی شناخته شده‌اند. منابعی که کمتر شناخته شده‌اند، بیشتر به زبان پارسیگ (زبان رسمی جنوب غربی ایران) در زمان ساسانیان و بازنویسی‌های پس از آن است.

عنوانیں کلی و مهم کتاب از این قرار است: زنان نژاده، زنان نائزاده، خدمتکاران و برده‌ها با عنوان پرستنده، کنیز، کنیزک و پرستار، ساقی‌ها با عنوان میگسار و ساقی، موسیقی‌دانان و خوانندگان با عنوانیں رامشگر و خنیاگر و رقص‌های، دایگان، زنان توده، جایگاه دختران در خانه پدری، پیمان زناشویی، انواع مختلف ازدواج، نشانه‌های مادرسالاری، جایگاه زن در زندگی زناشویی، جایگاه زن در اجتماع، میزان فعالیت اجتماعی زنان طبقات بالا، وظایف زنان طبقات پایین در درون و بیرون خانه.

کتاب با فهرستی از کوته‌نوشت‌ها، نمایه، شرح مختصری از برخی متون — که خود از نظر کتاب‌شناسی ارزشمند است — و فهرست منابع پایان می‌یابد.

عفت امانی

نیلی پور؛ کلاس درس استاد، فاطمه راکعی؛ ثمره، به مثابه یک فرهنگ، زهرا ابوالحسنی چیمه؛ ثبت است بر جریده عالم دوام ما، یحیی مدرسی؛ توصیه‌ای که یدالله ثمره به جا گذاشت و رفت، سید مصطفی عاصی؛ مروری بر مقاله «تحلیلی بر رده‌شناسی زبان: ویژگی‌های رده‌شناسختی زبان فارسی» اثر استاد ثمره، آریتا آفراشی؛ فرهنگ دانشگاهی قدیم و آموزش دانشگاهی جدید، محمددامین ناصح؛ گفت و گو با دکتر یدالله ثمره (برگرفته از ویژه‌نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی با عنوان «به یاد زنده‌یاد دکتر یدالله ثمره»)؛ کتاب‌شناسی مرحوم دکتر یدالله ثمره، افسانه شفاعتی؛ سال‌شمار زندگی مرحوم دکتر یدالله ثمره، نرگس صادقی‌زاده.

محمد‌رضن علی‌بخشی

زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم دکتر یدالله ثمره، به اهتمام انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران ۱۳۹۹، ۲۹۷ صفحه.

این کتاب، که به کوشش نادره جلالی تهیه و تنظیم شده، یکصد و نود و هفتین اثر از مجموعه زندگی‌نامه‌های انجمن آثار و مفاخر فرهنگی است. این اثر به مناسبت برگزاری نشست بزرگداشت زنده‌یاد دکتر یدالله ثمره، استاد بازنشسته زبان‌شناسی دانشگاه تهران و عضو پیوسته فقید فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در ۱۹ آذر ۱۳۹۹ منتشر شده است. فهرست پاره‌ای از مطالب کتاب از این قرار است:

در ستایش زبان و زبان‌شناسی، حسن بُلخاری یهی؛ مختص‌رسی به یاد دکتر یدالله ثمره، غلامعلی حدّاد عادل؛ استاد ثمره، ناهید بنی‌اقبال؛ یادی از دکتر ثمره، علی اشرف صادقی؛ استادی در خدمت زبان فارسی و فرهنگ ایرانی، ڈالہ آموزگار؛ دوست، رفیق، و همکارم دکتر یدالله ثمره، محترم‌پا باطنی؛ برای استادم دکتر یدالله ثمره، مهرداد نغزگوی کهن؛ دلنوشته‌ای برای استادی به جاودانگی تاریخ، پروانه خسروی‌زاده؛ سی سال چقدر زود گذشت، شهین نعمت‌زاده؛ استاد ما، یادها و خاطره‌ها، گیتی شکری؛ به یاد بهترین استادم که از او بسیار آموختم، ایران کلباسی؛ دکتر یدالله ثمره؛ استاد آواشناسی و واج‌شناسی زبان فارسی، محمود بی‌جن‌خان؛ در روش و منش استاد یدالله ثمره، مهرانگیز نوبهار؛ استاد یدالله ثمره، بنیان‌گذار توصیف علمی ساخت آوایسی زبان فارسی، رضا